

ساختار جملات شرطی در زبان فارسی

آزاده میرزایی*

چکیده

جمله شرطی به لحاظ ساختاری از یک بند پایه و یک بند وابسته تشکیل شده است. بند وابسته معمولاً با پیوندواژه شرط همراه می‌شود و به لحاظ معنایی وقوع گزاره در بند پایه را محدود به شرایطی می‌کند. در پژوهش حاضر، با اتکا به رویکردی رده‌شناختی، به بررسی ویژگی‌های ساختاری «بند شرط» و «پیوندواژه شرط» در زبان فارسی پرداخته و با نگاهی توصیفی و بر مبنای مطالعه‌ای داده‌بنیاد این ساختارها بررسی شده است. در ارتباط با نقش نحوی بند شرط، بررسی داده‌ها نشان داد اگرچه بند شرط عمدتاً نسبت به بند پایه در جایگاه افزوده قرار می‌گیرد و در نتیجه سازه اختیاری جمله و قابل حذف است، گاه مواردی دیده می‌شود که در آن‌ها حذف بند شرط جمله را نادرستی می‌کند. امکان بازنمایی مفهوم شرط در قالب بند قید زمان و موصولی در کنار بندهای شرطی، معرفی انواع پیوندواژه‌های شرطی زبان فارسی مانند «چنانچه»، «چون»، و «که»، هم‌چنین پیوندواژه‌های بند پایه شامل پیوندواژه‌های نتیجه‌ای، علی، و مقایسه‌ای، که سه ساخت شرطی را از هم متمایز می‌کنند، از موضوعات دیگری است که مورد توجه بوده است. معرفی «شرط منفی» و «انتظاری» در بحث محدودکننده‌های بند شرط و شیوه بازنمایی «شرط منفی» و پیوندواژه‌های مربوط مانند «مگر» و «وگرنه» و هم‌چنین امکان مشروط کردن بخشی از بند پایه موضوع‌های دیگر مورد بررسی بودند.

کلیدواژه‌ها: بند پایه، بند موصولی، جمله شرطی، زبان فارسی، شرط انتظاری، شرط منفی.

* استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، azadeh.mirzaei@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

۱. مقدمه

یکی از روابط بینابندی در درون متن رابطه علی- معلولی است که می‌تواند به شکل ساخت شرطی (conditional construction) بازنمایی شود. در ساخت شرطی یکی از بندها که معمولاً در زبان فارسی با پیوندواژه (connector) «اگر» علامت‌گذاری می‌شود به عنوان علت یا زمینه رویدادی که در بند دوم آمده مطرح می‌شود. بر همین اساس، به بند اول «مقدم» و به بند دوم «تالی» می‌گویند. مجموعه مقدم و تالی با هم ساخت شرطی را رقم می‌زنند. به این نوع از جملات شرطی که میان بندهای مقدم و تالی شان رابطه علی وجود دارد «شرط بنیادی» گفته می‌شود. مثلاً، در جمله زیر چنانچه بند مقدم (بند اگر) صادق باشد، نتیجه آن بند دوم خواهد بود. به بیان دیگر، علت وقوع گزاره مطرح در بند دوم بند اول است.

(۱) اگر زمین به دور خورشید نچرخد، در طی ۶۵ روز جذب خورشید خواهد شد.

در بررسی رده‌شناختی مفهوم شرط، ساخت‌های شرطی دیگری دیده می‌شود که در آن‌ها میان بند مقدم و تالی رابطه علی مستقیمی وجود ندارد. در پیشینه مطالعات بندهای شرطی، گروه دوم با اسامی متفاوتی چون شرطی کارگفتی (speech act conditional)، شرطی مرتبط (relevance conditional)، و شرطی بیسکوئیت (biscuit conditional) معرفی شده‌اند.

(۲) اگر گرسنه هستی، غذا داخل یخچال است.

در جمله ۲، فارغ از آن‌که مخاطب گرسنه باشد یا نه، گزاره مطرح در بند دوم صادق است و دلیل این‌که «غذا داخل یخچال است» این نیست که مخاطب احساس گرسنگی دارد.

پرواضح است که ساخت‌های شرطی را می‌توان از جنبه‌های مختلف و با رویکردهای متفاوت بررسی کرد. ویژگی‌های معنایی، نحوی، کاربردشناختی، و تحلیل گفتمانی مفهوم شرط هر کدام می‌تواند موضوع پژوهش‌های مختلفی باشد. بر همین اساس، دسته‌بندی‌های مختلفی از جملات شرطی مطرح می‌شود که گاه با هم هم‌پوشانی دارند و گاهی کاملاً از هم متفاوت می‌شوند. در پیشینه مطالعات مفهوم شرط می‌توان به کرک و دیگران (Quirk et al. 1985)، هگمن (Haegeman 2003)، بت و پانچوا (Bhatt and Pancheva 2006)، تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007)، ایبرت و دیگران (Ebert et al. 1985)، و فون فینتل (Von Fintel 2001) اشاره کرد. از پژوهش‌هایی که در زبان فارسی به مفهوم شرط پرداخته‌اند می‌توان به رستمی (۱۳۸۹)، کبیری و درزی (۱۳۹۴)، ابن‌الرسول و دیگران (۱۳۹۵)، بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷)، بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۸)، و میرزایی (۱۳۹۹) اشاره کرد.

کبیری و درزی (۱۳۹۴) در بررسی جملات شرطی رویدادی برمبنای رویکرد کمینه‌گرا بیان می‌کنند که در بندهای شرطی جمله آغازین، به‌عنوان افزوده، به گروه زمان و در برخی موارد به فرافکن‌های بالاتری مانند گروه کانون و بند شرطی جمله پایانی به گروه فعلی کوچک متصل می‌شود. بند شرطی جمله میانی هم حاصل مبتداسازی عناصری است که به پیش از بند شرطی جابه‌جا شده‌اند. ابن‌الرسول و دیگران (۱۳۹۵) در بررسی جملات شرطی بیان می‌کنند که رابطه تلازمی اساس ارتباط معنایی دو بند پایه و پیرو است و این رابطه معنوی به دو گونه تلازمی سببی و تلازمی غیرسببی تقسیم می‌شود. بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۷) براساس رویکرد رده‌شناختی دکلرک و رید (Declerck and Reed 2001) به بررسی انواع ساخت شرطی در فارسی نو می‌پردازند و بیان می‌کنند که براساس این رویکرد جهان ممکن بند شرط به دو دسته حقیقی و نظری تقسیم می‌شود. جهان ممکن نظری می‌تواند خنثی یا غیرخنثی باشد و غیرخنثی به چهار نوع تقسیم می‌شود: بسته، باز، غیرقطعی، و ضدحقیقی. آن‌ها در بررسی خود به این نتیجه می‌رسند که کاربرد ساخت شرطی در قرون متقدم نسبت به قرون متأخر بسیار بیش‌تر بودند و از نظر نوعی مشتمل بر انواع حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی، و ضدحقیقی‌اند و جملات شرطی از نوع باز بالاترین بسامد وقوع را دارند. بقایی و نغزگوی کهن (۱۳۹۸) در بررسی انواع کلمات ربط نشان‌گر مفهوم شرط در فارسی نو به «اگر»، «اگه»، و «به‌شرطی‌که» به‌عنوان حروف ربط رایج شرط و حروف دیگری چون «تا»، «که»، «چون»، «هرگاه»، «ولو»، «فرضاً»، «همین‌که»، «آن‌گاه‌که»، «هروقت»، «مشروط‌بر آن‌که»، «حتی اگر»، «کاشکی»، و «درصورتی‌که» اشاره و بیان می‌کنند که بین انواع حروف ربط شرط و جهان‌های ممکن شرط مشتمل بر حقیقی، خنثی، بسته، باز، غیرقطعی، و ضدحقیقی ارتباط وجود دارد و به‌احتمال زیاد از نوع حرف ربط شرط می‌توان به نوع ساخت شرطی پی برد. میرزایی (۱۳۹۹) در بررسی معنایی ساخت‌های شرطی در زبان فارسی با توجه به وجود یا فقدان رابطه علی / نتیجه‌ای میان بندهای در رابطه ساخت‌های شرطی را به دو گروه کلی شرطی نتیجه‌ای و غیرنتیجه‌ای تقسیم می‌کند و سپس، علاوه بر جملات شرطی باز، فرضی، مفروض، لفظی، کارگفتی، و تضمینی، که در سابقه پژوهش مفهوم شرط موجود است، ساخت‌های شرطی تقابلی، شرطی تقابلی ضمنی، شرطی معکوس، و شرطی دوسویه را در زبان فارسی براساس پژوهشی داده‌بنیاد معرفی می‌کند.

در این نوشتار برخی ویژگی‌های ساختاری ساخت‌های شرطی با اتکا به مطالعه رده‌شناختی تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007: 255-261) و با رویکردی توصیفی و

براساس پژوهشی داده‌بنیاد معرفی می‌شود. برای این منظور، از پیکره گزاره‌های معنایی زبان فارسی (Mirzaei and Moloodi 2016) و در ارائه برخی مثال‌ها از داده‌های موجود در صفحات وب استفاده شده است. پیکره مورد اشاره حجمی حدود نیم میلیون کلمه و سی هزار جمله دارد که از این میان ۱۹۸۲ جمله حاوی مفهوم شرط‌اند. جملات این پیکره از متون فارسی معاصر گردآوری شده‌اند. براین اساس، برای بررسی ویژگی‌های نحوی و ساختاری جملات شرطی، نخست باتوجه به پژوهش رده‌شناختی تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007: 255-261) موضوعات مورد بررسی انتخاب می‌شوند و سپس براساس جملات و ساخت‌های شرطی موجود در پیکره مورد اشاره وضعیت جملات شرطی در زبان فارسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

عناوین مورد بررسی در این پژوهش شامل این موارد است: الف. رابطه نحوی میان بندهای مقدم و تالی در ساخت شرطی؛ ب. پیوندواژه‌های ساخت شرطی؛ پ. شرط منفی؛ ت. انواع توصیف‌گرهای پیوندواژه؛ ث. صورت‌های نامتعارف مفهوم شرط؛ ج. سیطره مفهوم شرط؛ چ. توالی بند پایه و پیرو در ساخت شرطی. بدیهی است که دست‌رسی به ویژگی‌های ساختی جملات شرطی براساس بررسی‌های داده‌بنیاد می‌تواند در آموزش زبان فارسی به فارسی‌آموزان خارجی و هم‌چنین در مسائل مربوط به یادگیری ماشینی مفید باشد.

۲. چهارچوب نظری

تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007) در مقاله‌ای با نام «بندهای قیدی» در بخش نخست بررسی خود به توصیف ویژگی‌های رده‌شناختی انواع بندهای قیدی از جمله بندهای شرطی (ibid.: 255-261) می‌پردازند و بخش دوم مقاله را به موضوع کارکرد بندهای قیدی در ورای یک جمله اختصاص می‌دهند. آن‌ها در بررسی رده‌شناختی ساخت‌های شرطی، رفتار معنایی، رفتار نحوی، و ساختار جملات شرطی و هم‌چنین ساخت‌های شرطی منفی و شرطی انتظاری (concessive conditionals) را مورد توجه قرار می‌دهند.

تامپسون و دیگران (ibid.: 255-256) در بررسی معنایی ساخت‌های شرطی جملات شرطی را براساس امکان وقوع آن به دو گروه کلی شرط واقعی (reality conditional) و غیرواقعی (unreality conditionals) تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی شرط واقعی به سه گروه شرط واقعی حال، معمول (habitual)، و گذشته تقسیم می‌شود و شرطی‌های

غیرواقعی در دو گروه تخیلی (imaginative) و پیش‌بین (predictive) دسته‌بندی می‌شوند. منظور از شرطی‌های تخیلی رخدادهایی هستند که در زمان حاضر به‌هیچ‌عنوان امکان وقوع ندارند و خود به دو گروه ممکن (فرضی hypothetical) و ناممکن (خلاف واقع counterfactual) تقسیم می‌شوند. شرط پیش‌بین موقعیتی فرضی را به‌تصویر می‌کشد که در آن وضعیت اگر شرایط مطرح در بند شرط رخ دهد، نتیجه معرفی شده در بند تالی می‌تواند محقق شود.

در بررسی رفتار نحوی جملات شرطی، تامپسون و دیگران از یک سو توالی بند مقدم و تالی و حضور پیوندواژه شرط در زبان‌های مختلف را مورد توجه قرار می‌دهند و از سوی دیگر امکان بازنمایی مفهوم شرط در عبارات اسمی و در قالب‌بندهای زمان را بررسی می‌کنند.

در موضوع شرط منفی، تامپسون و دیگران (ibid.: 260-261) به رفتار متفاوت زبان‌ها اشاره و بیان می‌کنند که برخی زبان‌ها، مانند زبان انگلیسی که از واژه unless استفاده می‌کند، تک‌واژه مستقل و مشخصی برای بیان این مفهوم در امکانات زبانی خود دارند. بررسی رفتار معنایی و نحوی بندهای مقدم و تالی در این گونه جملات از موضوعات مطرح در این بررسی است.

شرط انتظاری موضوع دیگری است که تامپسون و دیگران (ibid.: 261-262) به آن می‌پردازند. منظور از شرط انتظاری در این بررسی صورت‌های زبانی هستند که در برخی ویژگی‌ها همانند بندهای شرطی و در برخی ویژگی‌های دیگر مانند بندهای انتظاری (concessive clause) عمل می‌کنند.

در این نوشتار رفتار معنایی بندهای شرطی، از آن‌جاکه پژوهش مستقل دیگری را می‌طلبد، مورد توجه قرار نگرفته است، اما برای بررسی موضوعات دیگر مورد اشاره تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007)، جملات شرطی پیکره گزاره‌های معنایی زبان فارسی استخراج شده و براساس ملاحظات نظری این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. این پیکره حاوی ۱۹۸۲ ساخت با مفهوم شرط است. در برخی از این ساخت‌ها از الگوی رایج و آشنای ساخت‌های شرطی استفاده شده است و برخی دیگر قالب جملات «اگر مقدم، آن‌گاه تالی» را ندارند، اما در مفهوم شرط ظاهر شده‌اند. براین اساس، در ادامه نتیجه مشاهدات داده‌بنیاد این پژوهش بررسی می‌شود و در هر موردی که تامپسون و دیگران (ibid.) در آن موضوع اظهارنظری دارند رویکرد و بیان آن‌ها معرفی و ارائه می‌شود.

۳. رابطه نحوی بندها در ساخت شرطی

بررسی داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهد که بند شرطی اگرچه عمدتاً نقش قیدی دارد، می‌تواند در هر دو جایگاه افزوده و موضوع ظاهر شود.

۱.۳ بند اگر در جایگاه افزوده

در جملات شرطی، بند «نتیجه» بند پایه است و بند شرط به‌عنوان بند افزوده به آن اضافه می‌شود. بند شرط، باتوجه به ماهیت افزوده‌ها، بدون آن‌که به دستوری بودن جمله خللی وارد کند، می‌تواند از جمله حذف شود. مثلاً، جمله ۳-ب پس از حذف بند شرط هم‌چنان دستوری مانده است.

(۳) الف: اگر بلیط‌ها دیر به دستمان برسد، بچه‌ها قطار را از دست می‌دهند.

(۳) ب: بچه‌ها قطار را از دست می‌دهند.

ذکر این نکته لازم است که گاهی فاعل دو بند شرط و بند پایه یک‌سان است و به‌همین دلیل فقط یک بار در جمله ظاهر می‌شود و آن یک بار هم در درون بند شرط قرار می‌گیرد. در این شرایط، با حذف بند شرط، بخشی از پیام موجود در بند پایه نیز حذف می‌شود که البته چون ضمیراندازی از ویژگی‌های زبان فارسی است، حذف آن به دستوری بودن جمله خللی وارد نمی‌کند. این وضعیت در جمله ۴ قابل مشاهده است. در این جمله «ستاره» برای هر دو بند پایه و قیدی در جایگاه فاعل قرار دارد. در بخش ب این مثال بند قید شرط به اعتبار افزوده‌بودنش از جمله حذف شده و به تبع آن «فاعل» بند پایه به‌عنوان مرجع شناسه فعلی از دست رفته است. بنابراین، مشخص است فاعل مشترک را می‌توان در جمله ب بازیابی کرد.

(۴) الف: اگر ستاره به اندازه کافی جرم داشته باشد، به‌سرعت به سیاه‌چاله

تبدیل می‌شود.

(۴) ب: [ستاره] به‌سرعت به سیاه‌چاله تبدیل می‌شود.

۲.۳ بند اگر در جایگاه موضوع

با آن‌که حذف بند «اگر» از ساخت شرطی (به‌دلیل ماهیت قیدی آن) مجاز است، در بررسی داده‌بنیاد مفهوم شرط در مواردی خلاف آن مشاهده می‌شود. مثلاً، حذف بند شرط از جمله

۵ مجاز نیست و آن‌چنان‌که در جمله ۵-ب دیده می‌شود، حذف بند «اگر خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به‌سخن آورند» سبب نادرستی شدن جمله شده است.

(۵) الف: اگر خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به‌سخن آورند، بهتر از آن است که سخن بگویی و دیگران تو را خاموش کنند.

(۵) ب: بهتر از آن است که سخن بگویی و دیگران تو را خاموش کنند.

جمله ۵ را می‌توان به‌صورت جمله ۶ بازنویسی کرد،

(۶) این‌که خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به‌سخن آورند بهتر از آن است که سخن ...

بخش اول جمله ۶ (یعنی این‌که خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به‌سخن آورند) معادل بخش اول جمله ۵ (یعنی اگر خاموش بنشیننی تا دیگران تو را به‌سخن آورند) است. این دو بخش در جملات ۵ و ۶ در جایگاه موضوع قرار دارند و حذف آن‌ها سبب نادرستی شدن جمله می‌شود. نمونه دیگری از این کارکرد در نمونه ۷ قابل مشاهده است:

(۷)

و گر بینم که نابینا و چاه است اگر خاموش بنشینم، گناه است

در مثال بالا بند شرط اول یعنی «وگر بینم که نابینا و چاه است» برای مصرع دوم یعنی «اگر خاموش بنشینم، گناه است» افزوده است و به‌همین دلیل می‌توان آن را از جمله حذف کرد و آنچه باقی می‌ماند یعنی «اگر خاموش بنشینم، گناه است» هم‌چنان دستوری است. اما چنان‌چه بند شرط دوم از جمله حذف شود، جمله حاصل «گناه است» خواهد بود که ناقص و نادرستی است. شاید گفته شود که در این جا یک فاعل تهی (این) داریم که البته فرض چنین مسئله‌ای هم تغییری در تحلیل پیش نمی‌آورد. در واقع، در جمله «این گناه است»، «این» معادل «اگر خاموش بنشینم» است و به‌طور کلی «اگر خاموش بنشینم» سازه متمم خواهد بود. ذکر این توضیح لازم است که با آن‌که حضور بند شرط «اگر» در دو مثال ۵ و ۷ اجباری است، هم‌چنان رابطه علی-نتیجه‌ای هم میان آن‌ها برقرار است؛ در مثال ۷ این‌گونه مطرح می‌شود که «اگر سکوت کنم»، «آن‌گاه گناه مرتکب شده‌ام».

۴. پیوندواژه در ساخت شرطی

در ساخت شرطی، هم می‌توان برای بند اول یعنی بند شرط هم برای بند دوم از پیوندواژه مناسب آن استفاده کرد. برهمین اساس، انواع پیوندواژه‌های مربوط به ساخت شرط در دو بخش بررسی می‌شود.

۱.۴ پیوندواژه بند شرط

در زبان فارسی ممکن است در ابتدا یا میان بندهای مطرح در ساخت شرطی هیچ پیوندواژه‌ای ظاهر نشود و مفهوم شرط فقط از معنای جمله به‌دست بیاید. در چنین شرایطی می‌توان به‌آسانی پیوندواژه «اگر» را در سر بند شرط ظاهر کرد، مانند مثال ۸.

(۸) الف: به آن نیرو وارد نکنند صندوق از حرکت بازمی‌ایستد.

(۸) ب: اگر به آن نیرو وارد نکنند، صندوق از حرکت بازمی‌ایستد.

با آن‌که ساخت جمله شرطی می‌تواند بدون حضور پیوندواژه صورت بگیرد، معمولاً در ساخت‌های شرطی بند شرط با یک پیوندواژه علامت‌گذاری می‌شود. در این میان ناهم‌پایه‌ساز «اگر» شناخته‌ترین و پُرکاربردترین پیوندواژه‌ای است که در ساخت شرطی وارد می‌شود. پیوندواژه‌های دیگری که در داده‌های طبیعی زبان فارسی و جملات مستخرج از پیکره این پژوهش مشاهده شدند شامل مواردی است که در زیر فهرست شده‌اند:

- | | |
|---|---------------------------------|
| ۱. چنان‌چه | ۶. چون |
| ۲. در صورتی‌که، در صورت | ۷. که |
| ۳. به شرطی‌که، به شرط این‌که، به شرط آن‌که | ۸. وقتی، زمانی‌که، هروقت، هرگاه |
| ۴. به فرض‌که، به فرض آن‌که، به فرض این‌که | ۹. هر چند |
| ۵. مگر، در غیر این صورت، وگرنه، جز این‌که، آلا این‌که | |

در ادامه، برای هر یک از پیوندواژه‌های مطرح‌شده در بالا مثالی ذکر شده است. از آن‌جاکه ناهم‌پایه‌سازهای «وقتی»، «مگر»، و «هرچند» همگی در بخش‌های بعدی بررسی می‌شوند، از تکرار مثال‌های مربوط به آن‌ها در این بخش خودداری می‌شود.

(۹) چنان‌چه برگ‌ها خیس شوند، امکان پوسیدگی گیاه و تشکیل قارچ افزایش پیدا می‌کند.

(۱۰) در صورتی‌که رطوبت زیاد باشد، کف‌ها را نیز عایق‌کاری می‌کنند.

(۱۱) دست‌ودلبازی شما قابل‌تحسین است، به شرط آن‌که اندوخته‌ای برای روز مبادا کنار گذاشته باشید.

(۱۲) به فرض این‌که الکتریسیته مصرفی خودروهای هیبریدی و برقی از طریق سوزاندن سوخت‌های فسیلی تأمین شود، نیروگاه‌های نسل جدید این تبدیل انرژی را با بازدهی بیش‌تری انجام می‌دهند.

- (۱۳) چون با ما مخالفت نمایند به هر راهی باشد با تو دشمنی و عداوت خواهیم ورزید.
- (۱۴) دو سه جلسه که مرتب بیایی کاملاً حرفه‌ای می‌شوی.

۲.۴ پیوندواژه بند پایه در ساخت شرطی

پیوندواژه‌هایی که در ساخت شرطی بر سر بند پایه می‌آیند به سه گروه تقسیم می‌شوند:

الف. پیوندواژه‌های مربوط به شرط بنیادی؛

ب. پیوندواژه‌های مربوط به معکوس شرط بنیادی؛

ج. پیوندواژه‌های مربوط به شرط کارگفتی.

همان‌طور که گفته شد، در ساخت شرط بنیادی بند پایه به‌لحاظ منطقی نتیجه بند شرط است. این ارتباط گاهی با علامتی که در ابتدای بند پایه قرار می‌گیرد مشخص می‌شود. «پس»، «آن‌گاه»، «دراین صورت»، «درآن صورت»، «آن وقت»، «آن موقع»، و «در نتیجه» از علامت‌هایی هستند که در ابتدای بند تالی یا پایه قرار می‌گیرند. معنای پیوندواژه‌های مورد اشاره‌ای که بر سر بند پایه قرار می‌گیرند خود بیان‌گر این مسئله است که رابطه میان بندهای حاضر در ساخت شرطی از نوع علی است و گزاره مطرح در بند پایه نتیجه بند شرط است.

(۱۵) اگر همه مثل هم فکر کنیم، پس چگونه خواهیم توانست بر هم اثر گذاریم. در بررسی داده‌بنیاد این پژوهش، به‌جز پیوندواژه‌هایی که در بالا معرفی شد، دو گروه پیوندواژه دیگر، یکی «به‌خاطر آن» و دیگری «اما» و «درعوض» مشاهده می‌شود. پیوندواژه گروه اول مربوط به ساخت‌های شرطی است که در آن‌ها بند مقدم نتیجه بند تالی است؛ یعنی هم‌چنان رابطه علی میان بندهای حاضر در ساخت شرطی برقرار است، اما جهت رابطه علی – معلولی متفاوت از آن چیزی است که معمولاً در شرط بنیادی دیده می‌شود. مثلاً، در جمله ۱۶ این‌طور بیان شده که «چون من بازیکنان را خوب توجیه نکرده‌ام، اشتباهی صورت گرفته»؛ یعنی دلیل بروز اشتباه بند دوم و «خوب توجیه نکردن» است. همان‌طور که مشخص است، این‌که بند اگر معلول علتی باشد که در بند دوم می‌آید، متفاوت از جملات شرطی بنیادی است که در آن‌ها بند پایه نتیجه و معلول بند شرط است.

(۱۶) اگر اشتباهی صورت گرفته، به‌خاطر این بوده است که من بازیکنان را خوب توجیه نکرده‌ام.

پیوندواژه‌های گروه دوم مربوط به ساخت‌های شرطی است که نوعی مقایسه را میان بند شرط و بند پایه مطرح می‌کنند، مانند مثال ۱۷. در این مثال وضعیتی که در بند شرط مطرح می‌شود در تقابل با وضعیتی است که در بند نتیجه مطرح می‌شود.

(۱۷) اگر فیلم داستانی ندارد که برای ما روایت کند، اما به جزئیاتی توجه می‌کند که هریک به‌تنهایی این امکان را فراهم می‌کنند تا ...

توضیح‌دانی است که ساخت شرطی اخیر باید در بررسی‌های معنایی ساخت شرطی موردتوجه قرار بگیرد. از این‌رو، نگارنده بحث درباره آن را به پژوهشی دیگر موکول کرده است.

۵. شرط منفی

در بسیاری از زبان‌ها، از جمله انگلیسی و ماندارین، برای منفی کردن شرط به‌جای استفاده از «اگر» و تک‌واژه منفی‌ساز از تک‌واژه دستوری مستقلی که هم‌زمان مفهوم شرط و نفی را با هم بازنمایی می‌کند استفاده می‌شود؛ این تک‌واژه در انگلیسی *unless* و در ماندارین *chufei* است و ارزش صدق آن‌ها معمولاً همانند بند اگر است، اگرچه در معنای ضمنی‌شان با هم تفاوت‌هایی دارند (Thompson et al. 2007: 260). در زبان فارسی برای این منظور سه صورت زبانی، شامل «مگر»، «درغیراین‌صورت»، و «وگرنه»، وجود دارد. علاوه بر این سه ساخت، صورت‌های دیگری چون «جز این‌که» و «آلّا این‌که» هم به‌شکل محدودتر در همین معنا به‌کار می‌روند.

۱.۵ مگر

«مگر» در زبان فارسی به‌طور کلی به شکل معادلی برای «اگر +» مطرح می‌شود و معمولاً ارزش صدق آن همانند بند «اگر» است، هرچند همانند *unless* در زبان انگلیسی معنای ضمنی آن با بند «اگر» متفاوت است. این مسئله در مثال ۱۸-الف و ب بررسی‌شدنی است.

(۱۸) الف: امروز برای گردش بیرون می‌رویم، مگر باران بیارد.

(۱۸) ب: اگر باران نیاید، امروز برای گردش بیرون می‌رویم.

پیش‌فرض جمله ۱۸-الف این است که «ما به گردش می‌رویم»، اما پیش‌فرض جمله ۱۸-ب این است که «احتمال بارش باران زیاد است». البته، این تفاوت در پیش‌فرض‌ها در

معنای شرط تغییری ایجاد نمی‌کند و در هر حال در هر دو جمله این طور گفته می‌شود که «باران باریدن» مصادف است با «نرفتن».

ذکر این نکته لازم است که اگر بخواهیم جمله شرط «مگر» را با «اگر + و» جای‌گزین کنیم، «مگر» باید از اول جمله شرط برداشته شود، پیوندواژه «اگر» به جای آن بنشیند و نهایتاً قطبیت جمله شرط تغییر کند؛ یعنی اگر جمله مثبت است، منفی و اگر منفی است، مثبت شود. در این تغییر و تبدیل‌ها قطبیت جمله نتیجه ثابت می‌ماند.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که گاهی در هم‌راهی با «مگر» ممکن است عباراتی چون «که»، «آن‌که»، و «این‌که» هم در جمله ظاهر شوند. برای نمونه، در جمله ۱۹ عبارت «مگر آن‌که» جای‌گزین «مگر» شده است.

(۱۹) فناوری چیزی را عوض نمی‌کند، مگر (آن‌که) خودمان بخواهیم.

۲.۵ وگرنه

در جملات حاوی «وگرنه» کل بند شرط یا بند مقدم در همان یک کلمه «وگرنه» خلاصه شده است. «وگرنه» زمانی کاربرد دارد که پیش‌تر گزاره‌ای (به صورت ضمنی یا آشکار) مطرح شده باشد، به دنبال آن «وگرنه» و پس از آن جمله نتیجه بیاید. در این حالت، منظور از «وگرنه» این است که اگر آن گزاره پیشین صادق نباشد، نتیجه‌ای که در پی آن ذکر می‌شود حاصل می‌آید. به بیان دیگر، «وگرنه» جای‌گزین بخش حذف‌شده‌ای از پیام است که یا پیش‌تر به طور کامل در جمله آمده یا از گزاره پیش از آن قابل استنتاج است. «وگرنه» را می‌توان با توجه به گزاره قبلی به بند شرطی ساده تبدیل کرد. در این حالت «اگر» به جای «وگرنه» می‌نشیند، گزاره قبل از «وگرنه» در قطبیتی خلاف آنچه بوده بعد از «اگر» می‌آید؛ یعنی اگر مثبت بوده، منفی و اگر منفی بوده، مثبت می‌شود. برای توضیح بیشتر، می‌توان به جمله زیر توجه کرد.

(۲۰) الف: بازیکنان داخلی را از الآن می‌خواهم وگرنه هیچ شانسی نداریم!

(۲۰) ب: بازیکنان داخلی را از الآن می‌خواهم و اگر نخواهم / اگر نشود که آن‌ها را

داشته باشم، هیچ شانسی نداریم!

ساخت شرطی در جمله ۲۰- الف «وگرنه هیچ شانسی نداریم» است؛ براین اساس، بند مقدم در این ساخت «وگرنه» و بند تالی «هیچ شانسی نداریم» است. برای تعبیر «وگرنه» باید به گزاره پیش از آن یعنی «بازیکنان داخلی را از الآن می‌خواهم» توجه

کرد. «وگرنه» را در این جمله می‌توان (مانند ۲۰-ب) به بند شرطی ساده در هم‌راهی با «اگر» تبدیل کرد.

(۲۱) الف: این‌ها نزدیک نرفته‌اند، وگرنه اسب‌ها بهشان حمله می‌کرده‌اند.

(۲۱) ب: این‌ها نزدیک نرفته‌اند و اگر این‌ها نزدیک رفته بودند، اسب‌ها بهشان حمله می‌کرده‌اند.

در نمونه‌ای دیگر در جمله ۲۱-ب «وگرنه» جای‌گزین گزاره پیشین یعنی «این‌ها نزدیک نرفته‌اند» شده است. اگر بخواهیم «وگرنه» را به صورت «اگر» و «نه» تغییر دهیم، لازم است که گزاره پیشین در قطبیتی خلاف خودش در هم‌راهی با «اگر» ظاهر شود و به جای وگرنه بنشیند (مانند ۲۱-ب).

۳.۵ در غیر این صورت

رفتار نحوی «در غیر این صورت» همانند «وگرنه» است؛ یعنی «در غیر این صورت» در ساخت‌های شرطی خود به تنهایی در جایگاه مقدم می‌نشیند. در این مورد نیز پیش از عبارت «در غیر این صورت» گزاره‌ای (به صورت ضمنی یا آشکار) آمده و با استفاده از «در غیر این صورت» این‌طور بیان می‌شود که اگر آن گزاره صادق نباشد، نتیجه‌ای که در پی آن ذکر می‌شود حاصل می‌آید. «این» در عبارت «در غیر این صورت» به همان گزاره پیشین اشاره می‌کند. در تبدیل بند «در غیر این صورت» به بند «اگر»، همانند آنچه در خصوص «مگر» و «وگرنه» ذکر شد، قطبیت آن بخشی که «این» به آن اشاره می‌کند باید تغییر کند؛ یعنی اگر مثبت است، منفی و اگر منفی است، مثبت شود.

(۲۲) الف: بخش‌های مربوط به ثبت شماره حساب وام [...] می‌بایست به‌طور کامل تکمیل گردد در غیر این صورت به درخواست‌های ارسال شده ترتیب اثر داده نخواهد نشد.
(۲۲) ب: بخش‌های مربوط به ثبت شماره حساب وام [...] می‌بایست به‌طور کامل تکمیل گردد. اگر بخش‌های مربوط به ثبت شماره حساب وام [...] به‌طور کامل تکمیل نگردد، به درخواست‌های ارسال شده ترتیب اثر داده نخواهد نشد.

در مثال ۲۲-ب، بند «اگر بخش‌های مربوط به ثبت شماره حساب وام [...] به‌طور کامل تکمیل نگردد» جای‌گزین «در غیر این صورت» شده و آنچه در ادامه آمده نتیجه آن است. همان‌طور که دیده می‌شود، بند هم‌راه با «اگر» همانند بند پیش از «اگر» است و فقط در قطبیت با آن تفاوت دارد.

۶. توصیف‌کننده‌های پیوندواژه اگر

تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007: 261-262) در معرفی «شرط انتظاری» به موضوع توصیف‌کننده‌های پیوندواژه «اگر» می‌پردازند. در واقع، همانند مقوله‌های دستوری مختلف، «اگر» و بند شرط را هم می‌توان با استفاده از برخی توصیف‌کننده‌ها توصیف کرد. در زبان فارسی این توصیف‌کننده‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. در گروه اول «حتی» و «هم» قرار دارند که در همراهی با «اگر» ساختی با نام «شرط انتظاری» را به دست می‌دهند. در دسته دوم قیدهای «مخصوصاً»، «فقط»، و «تنها» حضور دارند که «اگر» و بند شرط را محدود می‌کنند.

۱.۶ شرط انتظاری

این ساخت وضعیتی میانه دارد؛ یعنی رفتار آن در برخی ویژگی‌ها همانند بندهای شرطی است و در برخی ویژگی‌های دیگر مانند بندهای انتظاری عمل می‌کند (ibid.: 262). در ساخت‌های انتظاری، در یک بند، انتظاری ایجاد می‌شود و در بند دیگر خلاف آن انتظار مطرح می‌شود (Haiman 1974). مثلاً، در بند اول جمله ۲۳ این انتظار مطرح شده که «زمستان با سرما و برف همراه است» و بند دوم خلاف این انتظار را مطرح می‌کند.

(۲۳) اگرچه زمستان از راه رسیده، اما از برف و سرما خبری نیست.

از طرف دیگر، در ساخت شرطی بنیادی صدق بند تالی به صدق بند مقدم وابسته است. شرط انتظاری از یک سو ویژگی شرط بنیادی را مطرح می‌کند و از سوی دیگر پیش‌انگاری‌های ساخت انتظاری را دارد. برای توضیح بیشتر، می‌توان به جمله ۲۴ اشاره کرد.

(۲۴) حتی اگر باران بیاید، برنامه کوه‌نوردی پابرجاست.

بند اصلی این جمله تصریح می‌کند که «برنامه کوه‌نوردی پابرجاست» و این گزاره خلاف انتظاری است که از بارش باران داریم؛ یعنی بارش باران این انتظار را ایجاد می‌کند که برنامه کوه‌نوردی به هم بخورد. امکان طرح گزاره خلاف انتظار در این ساخت با وجود عبارت «حتی» ممکن شده است. از طرف دیگر، جمله ۲۴ این باور را القا می‌کند که گزاره «باران نیاید، برنامه کوه‌نوردی پابرجا خواهد بود» محتمل است. وجود عبارت «اگر» وابستگی بند تالی به مقدم را نشان می‌دهد. به این ترتیب، ارتباط دو بند «باران بیاید» و «برنامه کوه‌نوردی پابرجاست» در قالب بند شرط محقق شده است و وجود «حتی» مفهوم انتظار و خلاف انتظار را به دست داده است.

تفاوت شرط انتظاری و بندهای انتظاری در این است که وجه فعل در بندهای شرطی التزامی است، اما در بندهای انتظاری اخباری است و تفاوت آن با بندهای شرطی بنیادی در این است که در شرط انتظاری بند شرط چه صدق باشد چه کذب، رابطه «اگر ... آن‌گاه» صدق است.

در برخی زبان‌ها، مانند زبان ماندارین، برای ساخت شرط انتظاری پیوندواژه‌ای متفاوت از شرط بنیادی وجود دارد. در زبان فارسی برای القای این معنی پیوندواژه «اگر» با قید محدودکننده «حتی» و «هم» همراه می‌شود یا به جای «اگر» پیوندواژه «هرچند» قرار می‌گیرد. مثال‌های ۲۵ تا ۲۷ نمونه‌هایی از شرط‌های انتظاری در زبان فارسی را نشان می‌دهد.

(۲۵) اگر هم باران بیاید، باز به کوه خواهیم رفت.

(۲۶) بعضی چیزها را نمی‌شود باور کرد، حتی اگر پیش چشم‌هایت رژه رفته باشند.

(۲۷) به کسی که تو را امین شمرده خیانت مکن، هرچند او به تو خیانت کرده باشد.

۲.۶ توصیف‌کننده‌های محدودکننده

در گروه دوم توصیف‌کننده‌های «اگر» قیدهای محدودکننده قرار می‌گیرد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد قیدهایی چون «مخصوصاً» یا «به‌خصوص»، «تنها»، و «فقط» می‌توانند به‌عنوان توصیف‌گر با پیوندواژه «اگر» همراه شوند. در ادامه برای هر یک از این امکانات مثالی ارائه شده است:

(۲۸) کودک می‌تواند برگ‌ها را خشک کند، مخصوصاً اگر در مقادیر زیاد

استفاده شود.

(۲۹) تنها اگر دنیا به آخر برسد، فرصت بازی در برزیل را خواهیم داشت.

(۳۰) فقط اگر نشانی‌تان را وارد کرده باشید، می‌توانید منطقه خدماتی‌تان را

حذف کنید.

۷. صورت‌های نامتعارف مفهوم شرط

ساخت شرطی در حالت متعارف از دو بند مقدم و تالی تشکیل شده که معمولاً مقدم همراه با پیوندواژه «اگر» ظاهر می‌شود. تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007: 257-258)، علاوه بر صورت رایج ساخت‌های شرطی، به مواردی اشاره می‌کنند که در آن‌ها بند

موصولی و بند قید زمانی می‌توانند کارکرد شرطی داشته باشند. بررسی داده‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در زبان فارسی هم به‌جز شکل رایج ساخت شرطی ساخت‌های دیگری وجود دارند که می‌توانند مفهوم شرط را منتقل می‌کنند.

۱.۷ بند موصولی و مفهوم شرط

بررسی‌های داده‌بنیاد این پژوهش نشان می‌دهند که ساخت موصولی تحت شرایطی می‌تواند مفهوم شرط را القا بکند. ساخت موصولی از یک هسته اسمی و یک بند توصیفی تشکیل شده است. مجموعه حاصل، یعنی ساخت موصولی، در جمله اصلی می‌تواند در هر نقش و جایگاهی ظاهر شود؛ یعنی می‌تواند یکی از سازه‌های موضوع برای فعل اصلی بند پایه باشد، مانند مثال ۳۱ که هسته بند و بند موصولی با هم در جایگاه فاعل فعل «صعود خواهند کرد» قرار دارند یا این که در جایگاه افزوده باشد، مانند مثال ۳۲ در بند پایه این مثال؛ یعنی در «آن‌ها باید سیستم را طوری پیکربندی کرده باشند»، «طوری» در جایگاه افزوده است و وقتی بند موصولی در کنار آن قرار می‌گیرد کل ساخت موصولی به‌عنوان افزوده‌ای برای بند پایه مطرح می‌شود.

(۳۱) تیم‌هایی که مقام اول، دوم، و سوم را کسب کنند به مسابقات لیگ یک صعود خواهند کرد.

(۳۲) آن‌ها باید سیستم را طوری پیکربندی کرده باشند که دسترسی به آن سخت باشد.

گاهی بند موصولی نقشی مانند بند مقدم در ساخت شرطی دارد. در این حالت بند پایه (همانند بند پایه در ساخت‌های شرطی) نتیجه آن چیزی خواهد بود که در بند موصولی مطرح شده است و چون میان بند موصولی و بند پایه رابطه علی برقرار است، می‌توان بند موصولی را به‌صورت بند شرطی بازنویسی کرد. در مثال ۳۳ بین بند اول یعنی «هرکس رابطه خود را با خدا اصلاح کند» و بند دوم یعنی «خدا رابطه او را با مردم اصلاح خواهد کرد» رابطه علی - نتیجه‌ای وجود دارد، به‌نحوی که بند دوم مشروط به بند اول شده است. بند اول در این مثال در هیئت بند موصولی است و، همان‌طور که در بخش ب این مثال مشاهده می‌شود، می‌توان آن را به‌صورت بند شرط بازنویسی کرد.

(۳۳) الف: هرکس رابطه خود را با خدا اصلاح کند خدا رابطه او را با مردم اصلاح خواهد کرد.

(۳۳) ب: اگر کسی رابطه خود را با خدا اصلاح کند، خدا رابطه او را با مردم اصلاح خواهد کرد.

به نظر می‌رسد وجه فعل بند موصولی در این شرایط باید التزامی است؛ به بیان دیگر، می‌توان گفت بندهای موصولی‌ای همانند بند شرط عمل می‌کنند که وجه فعلشان التزامی است.

۲.۷ بند زمان و مفهوم شرط

تامپسون و دیگران (ibid.: 257) در بررسی رده‌شناسی مفهوم شرط به زبان‌هایی اشاره می‌کنند که در آن‌ها بند زمان و شرط همانند هم علامت‌گذاری می‌شوند. در زبان فارسی بند شرط معمولاً با «اگر» مشخص می‌شود، اما گاهی بندهایی که با پیوندواژه «وقتی»، «که»، «وقتی که»، و دیگر پیوندواژه‌های معرف زمان علامت‌گذاری می‌شوند هم می‌توانند در معنای شرط باشند.

میان دو بند موجود در ساخت شرطی بنیادی رابطه علی وجود دارد؛ به نحوی که بند تالی نتیجه بند مقدم می‌شود. این در حالی است که وقتی پیوندواژه زمان میان دو بند ظاهر می‌شود توالی زمانی یا هم‌زمانی گزاره‌های مطرح در این بندها مورد توجه قرار می‌گیرد و هیچ رابطه علی - نتیجه‌ای میان آن برقرار نیست. مثلاً، در جمله ۳۴ پیوندواژه «وقتی» باعث شده که دو گزاره «حاضر شدن غذا» و «صحبت کردن» هم‌زمان در نظر گرفته شوند و در جمله ۳۵ پیوندواژه «وقتی» نشان می‌دهد که بند دوم به لحاظ زمانی بعد از بند اول اتفاق افتاده است.

(۳۴) وقتی که غذا حاضر می‌شد ما صحبت می‌کردیم.

(۳۵) وقتی که یلدا گفت «شام نداریم»، پیش از هر فکر دیگری تعجب کردم.

اما دقت در جملات ۳۶، ۳۷، و ۳۸ نشان می‌دهد که میان بندهای درون جمله نوعی رابطه علی برقرار شده و بند دوم نتیجه و تالی بند اول است.

(۳۶) وقتی راه را از چاه نشناسید بازی می‌خورید.

در مثال ۳۷ هر دو جمله‌ای که با هم هم‌پایه شده‌اند حاوی دو بند هستند. دو بند اول با پیوندواژه «وقتی» و دو بند دوم با پیوندواژه «اگر» به هم متصل شده‌اند. در این جا جدای از این که به لحاظ معنایی می‌توان نشان داد که رابطه میان بندها از نوع علی است، در عین حال چون این دو بخش توانسته‌اند با هم هم‌پایه شوند، می‌توان ادعا کرد که باید وضعیت نحوی

یکسانی داشته باشند؛ چون برای هم پایه‌سازی یکسانی کارکرد نحوی اجزا ضروری است. در جمله ۳۷ «آدم وقتی قهر می‌کند، بعد آشتی می‌کند» مثل آن است که بگوییم «آدم اگر قهر کند، بعد آشتی می‌کند». به این ترتیب، در این ساخت «وقتی» معنای «شرط» را القا می‌کند.

(۳۷) آدم وقتی قهر می‌کند بعد آشتی می‌کند ولی اگر دعوا کند، بعد کتک‌کاری می‌کند.
(۳۸) اینجا که باشم شما را آزار خواهم داد.

مثال‌های ۳۶ تا ۳۸ و بسیاری نمونه‌های دیگر حاکی از آن‌اند که وجه فعل در بندهای به‌ظاهر زمانی که مفهوم شرط را القا می‌کنند باید التزامی باشد.

۳.۷ عبارت شرطی

در این پژوهش وضعیت بند شرط در ساخت شرطی مورد توجه است، اما برای کامل شدن بحث جا دارد در این بخش به عبارات شرطی هم پرداخته شود. مفهوم شرط می‌تواند همانند دیگر افزوده‌ها به‌جز ساختاربندی در قالب گروه هم بازنمایی داشته باشد. در این حالت، عبارت شرطی را می‌توان به‌صورت بند شرطی بازنویسی کرد. مثلاً، در جمله ۳۹- الف عبارت «در صورت لجبازی کودکان» مفهوم شرط را در قالب گروه نحوی ساختاربندی کرده است و، همان‌طور که در بخش ب مشاهده شدنی است، می‌توان این عبارت را به‌شکل بندی یعنی به‌صورت «اگر کودکان لجبازی کردند» تبدیل کرد.

(۳۹) الف: در صورت لجبازی کودکان، والدین باید به آن‌ها بی‌اعتنایی کنند و از آن محیط خارج شوند.

(۳۹) ب: اگر کودکان لجبازی کردند، والدین باید به آن‌ها بی‌اعتنایی کنند و از آن محیط خارج شوند.

۸. سیطره مفهوم شرط

بندهای شرطی در جملات شرطی بنیادی، از آن جهت که چه چیزی را مشروط و محدود می‌کنند، به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند:

الف. بندهای شرطی ای که وقوع گزاره را در بند پایه محدود به شرایطی می‌کنند؛

ب. بندهای شرطی که سازه یا بخشی از بند پایه را مشروط می‌کنند.

در ادامه، مثال‌های ۴۰ و ۴۱ نمونه‌ای از ساخت‌های شرطی نوع اول و مثال‌های ۴۲ و ۴۳

نمونه‌ای از ساخت‌های شرطی نوع دوم‌اند.

در جمله ۴۰ شرایطی در بند شرط مطرح می‌شود که نتیجه آن تحقق گزاره مطرح در بند پایه است؛ یعنی در شرایطی که «جنگل و مراتع (پوشش گیاهی) تخریب شوند»، آن وقت گزاره مطرح در بند پایه یعنی «فرسایش خاک‌های حاصل‌خیز» رخ می‌دهد. به این ترتیب، اگر گزاره اول رخ دهد، آن گاه گزاره دوم محقق می‌شود.

(۴۰) اگر جنگل و مراتع (پوشش گیاهی) تخریب شوند، خاک‌های حاصل‌خیز فرسایش پیدا می‌کنند.

(۴۱) اگر باها فقط در یک جهت می‌وزیدند، همه چیز ویران می‌شد.

در ساخت‌های شرطی گروه دوم، شرایط مطرح شده در بند شرط به یکی از سازه‌های جمله پایه برمی‌گردد. این سازه در هر دو بند شرط و بند پایه یکی از ارکان جمله است و در آن‌ها نقشی ایفا می‌کند. در جمله ۴۲ «دانشجو» در هر دو بند نقش فاعلی دارد و شرایط مطرح شده در بند شرط هم به «دانشجو» مربوط می‌شود. پس در این جمله گفته می‌شود که «دانشجو خودش آخر ترم نمره خواهد آورد» اگر شرایطی برایش فراهم باشد. به این ترتیب، بند پایه رخ می‌دهد اگر شرایطی برای یکی از اجزای آن فراهم باشد.

(۴۲) اگر دانشجو مفهوم درس‌ها را بفهمد، خودش آخر ترم نمره خواهد آورد.

(۴۳) ... اگر انسان کارها را به درستی انجام دهد، خودبه‌خود موردلطف و دوستی دیگران واقع می‌شود ...

در گروه دوم، بندهای شرطی را می‌توان به صورت بند موصولی بازنویسی کرد (مانند مثال ۴۴ و ۴۵ که بازنویسی جملات شرطی ۴۲ و ۴۳ هستند).

(۴۴) دانشجویی که مفهوم درس‌ها را بفهمد خودش آخر ترم نمره خواهد آورد.

(۴۵) انسانی که کارها را به درستی انجام دهد خودبه‌خود موردلطف و دوستی دیگران واقع می‌شود.

توضیح این که هر یک از اجزای بند پایه می‌تواند با استفاده از بند شرط مشروط شود و این ویژگی فقط به فاعل اختصاص ندارد. مثلاً، در جمله ۴۶، بند شرط به «بیش‌تر خاک‌ها» برمی‌گردد. در این جا نیز، همان‌طور که در بخش ب نشان داده شده، می‌توان بند شرط را به شکل بند موصولی بازنویسی کرد.

(۴۶) الف: سیب‌زمینی در بیش‌تر خاک‌ها اگر با آن خوب و ررفته باشند، رشد خواهد کرد.

(۴۶) ب: سیب‌زمینی در بیش‌تر خاک‌هایی که با آن خوب و ررفته‌اند رشد خواهد کرد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که در داده‌های این پژوهش عمده ساخت‌های شرطی از نوع اول بودند.

۹. توالی خطی بند شرط و بند پایه

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در زبان فارسی بند شرط می‌تواند قبل، بعد، و حتی در میان بند پایه قرار گیرد. در مثال ۴۷-الف، همانند بیش‌تر نمونه‌های زبان فارسی، بند شرط پیش از بند پایه آمده است. در بخش ب بند شرط پس از بند پایه و در بخش پ در میان آمده است.

(۴۷) الف: اگر خواسته‌هایمان را بشناسیم، در زندگی نظم پیدا می‌کنیم.

(۴۷) ب: در زندگی نظم پیدا می‌کنیم اگر خواسته‌هایمان را بشناسیم.

(۴۷) پ: در زندگی اگر خواسته‌هایمان را بشناسیم، نظم پیدا می‌کنیم.

بخش‌های ب و پ در مثال ۴۷ ساختگی‌اند. برای ارائه مثال از نمونه‌های طبیعی زبان، برای بند شرط‌هایی که پس از بند پایه قرار می‌گیرند می‌توان مثال ۴۸ و برای مواردی که بند شرط در میان بند پایه قرار می‌گیرد مثال ۴۹ را معرفی کرد.

(۴۸) تو را خواهم پرستید فقط اگر من را از این زندان برهانی.

(۴۹) در طبقه‌بندی انواع خطاها از ادبیات موجود در این زمینه بهره خواهیم جست، اما هیچ‌یک از آن‌ها را اگر در پیکره ما شاهدهی نداشته باشند، بدیهی نخواهیم انگاشت.

۱۰. نتیجه‌گیری

در این پژوهش ویژگی‌های نحوی و ساختاری ساخت شرطی، با توجه به داده‌های طبیعی زبان فارسی، بررسی شد. بر این اساس، نخست جایگاه بند شرط در ارتباط با بند پایه بررسی شد. نتیجه واکاوی داده‌بنیاد نشان داد که بند شرط اساساً نسبت به بند پایه در جایگاه افزوده قرار می‌گیرد و به همین اعتبار سازه اختیاری و قابل حذف از جمله است. اما در بررسی برخی داده‌ها نمونه‌هایی مشاهده شد که در آن‌ها حذف بند شرطی به نادرستی شدن جمله انجامیده است. پس از آن به مفهوم شرط منفی توجه شد. در داده‌های مورد بررسی، پیوندواژه‌های شرط منفی شامل «مگر»، «وگرنه»، «در غیر این صورت»، و مواردی چون «آلّا این‌که» یا «جز این‌که» بودند که در پژوهش حاضر به سازوکار عمل‌کردی آن توجه شد. موضوع پیوندواژه بحث دیگر این پژوهش بود که در دو بخش، شامل پیوندواژه‌های بند شرط و پیوندواژه‌های بند

پایه در ساخت شرطی، بررسی شد. براین اساس، صورت‌بندی‌های مختلف موجود برای «پیوندواژه شرط» براساس داده‌های زبان فارسی مشخص شد و باتوجه به پیوندواژه‌های مربوط به بند پایه (شامل پیوندواژه‌های نتیجه‌ای، علی، و مقایسه‌ای)، دسته‌بندی میان انواع ساخت‌های شرطی به دست آمد. موضوع قابل توجه دیگر در بحث پیوندواژه‌ها توصیف‌کننده‌های پیوندواژه شرطی بود. این توصیف‌کننده‌ها در دو گروه «انتظاری‌ها» و «محدودکننده‌ها» قرار می‌گیرند که مصادیق آن در زبان فارسی معرفی شد. هم‌چنین، در بحث نحوه بازنمایی بندی مفهوم شرط نشان داده شد که از بندهای موصولی و بندهای قید زمان هم می‌توان در بیان این مفهوم در زبان فارسی استفاده کرد. توالی خطی بند شرط و بند پایه مشروط‌کردن بخشی از بند پایه به جای مشروط‌کردن گزاره مطرح در آن و شرطی‌های عبارت‌گونه موضوعات دیگری بودند که در این پژوهش به آن پرداخته شد. توضیح این نکته لازم است که در پژوهش حاضر ویژگی‌های نحوی فعل بند شرط، به جهت گستردگی موضوع، بررسی نشد. به این ترتیب، ویژگی‌های دستوری فعل بند شرط شامل «زمان»، «نمود»، و «وجه» می‌تواند به عنوان موضوعی برای پژوهش‌های پیکره‌بنیاد آتی مطرح باشد.

پی‌نوشت

۱. توضیح این نکته لازم است که تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007) شرط تخیلی را به دو بخش hypothetical و counterfactual تقسیم می‌کنند. باتوجه به معادل‌گزینی میرزایی (۱۳۹۹: ۳۳۳) و استفاده از لفظ «فرضی» به عنوان برابر نهادی برای hypothetical در تقسیم‌بندی کرک و دیگران (Quirk et al. 1985) و هم‌چنین انتخاب معادل «ممکن» برای hypothetical در تقسیم‌بندی تامپسون و دیگران (Thompson et al. 2007)، برای رعایت یک‌دستی معادل‌گزینی‌ها در این جا نیز از لفظ «ممکن» استفاده می‌شود.

کتاب‌نامه

ابن‌الرسول، سیدمحمدرضا، سمیه کاظمی نجف‌آبادی، و مهری کاظمی (۱۳۹۵)، «رابطه معنایی جمله‌واره پایه و پیرو در جمله‌های شرطی زبان فارسی»، *دب فارسی*، دوره ۶، ش ۱.

بقایی، سیده‌عاطفه و مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۷)، «جهان‌های ممکن ساخت‌های شرطی در زبان فارسی معاصر»، *جستارهای زبانی*، انتشار آنلاین.

بقایی، سیده‌عاطفه و مهرداد نغزگوی کهن (۱۳۹۸)، «کلمات ربط شرطی در زبان فارسی نو»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*، دوره ۹، ش ۱۸.

- رستمی، مهدی (۱۳۸۹)، *جملات شرطی در زبان فارسی: رویکردی شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- قادری نجف‌آبادی، سلیمان، محمد عموزاده محمد، و والی رضایی (۱۳۸۹)، «واکاوی شناختی — کاربردشناختی جمله‌های شرطی در زبان فارسی»، *جستارهای زبانی*، س ۱۰، ش ۶.
- کیبیری، رؤیا و علی درزی (۱۳۹۴)، «جملات شرطی رویدادی در زبان فارسی»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، س ۷، ش ۱.
- میرزایی، آزاده (۱۳۹۹)، «دسته‌بندی معنایی ساخت شرطی در زبان فارسی»، *علم زبان*، دوره ۷، ش ۱۱.

- Bhatt, R. and R. Pancheva (2006), "Conditionals", *The Blackwell Companion to Syntax*.
- Dancygier, B. and E. Mioduszewska (1984), "Semanto-Pragmatic Classification of Conditionals", *Studia Anglica Posnaniensia*, XVII.
- Declerck, R. and S. Reed (2001), *Conditionals: A Comprehensive Empirical Analysis*, Berlin, E. C. Traugott and B. Kortmann (eds.), New York: Mouton de Gruyter.
- Ebert, C., C. Endriss and S. Hinterwimmer (2008), "Topics as Speech Acts: An Analysis of Conditionals", *Proceedings of the 27th West Coast Conference on Formal Linguistics*.
- Haegeman, L. (2003), "Conditional Clauses: External and Internal Syntax", *Mind and Language*, vol. 18, no. 4.
- Haiman, J. (1974), "Concessives, Conditionals, and Verbs of Volition", *Foundations of Language*, no. 11.
- Halliday, M., C. M. Matthiessen and C. Matthiessen (2014), *An Introduction to Functional Grammar*, Routledge.
- Miltsakaki, E., et al. (2008), "Sense Annotation in the Penn Discourse Treebank", In: *Lecture Notes in Computer Science*, Vol. 4919, Computational Linguistics and Intelligent Text.
- Mirzaei, A. and A. Moloodi (2016), "Persian Proposition Bank", In: *Proceedings of the 10th International Language Resources and Evaluation*, Portorož (Slovenia), May.
- Quirk, R., et al. (1985), *A Comprehensive Grammar of the English Language*, London and New York: Longman.
- Thompson, S. A., E. L. Robert and Shin Ja J. Hwang (2007), "Adverbial Clauses", In: *Language Typology and Syntactic Description*, T. Shopan (ed.), vol. 2., Cambridge: Cambridge University Press.
- Von Stechow, K. (2011), "Conditionals", In: *Semantics: An International Handbook of Meaning*, Klaus von Stechow, Claudia Aienborn and Paul Portner (eds.), vol. 2 (Handbücher zur Sprach- Und Kommunikationswissenschaft 3.2), Berlin/ Boston: de Gruyter Mouton.